

واکاوی عنصر امر به معروف و نهی از منکر در سبک زندگی موسوی و رفتار سیاسی امام خمینی(ره)

غلامعباس رفیعی^{۱*}
ابراهیم برزگر^۲

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از احکام اجتماعی اسلام، دارای چنان ظرفیت عظیمی است که حرکت آفرینی و بسیج مردمی برای دست زدن به قیام و انقلاب، تنها بخشی و البته بخش اعظم آن می باشد. این ظرفیت در قیام موسی بن عمران(ع) جلوه‌هایی از توان خود را در مواجهه با فرعون و بسیج بنی اسرائیل و هجرت تاریخی آنها به نمایش گذارد. در انقلاب اسلامی هم توسط عالمی دینی و مجتهدی زمان شناس یعنی امام خمینی(ره) برای انسجام بخشی و سازماندهی ملت ایران در برابر منکر زمامدار فاسد به کار گرفته شد. نتیجه هر دو حرکت سرنگونی ساختار سیاسی و دست‌یابی به قدرت و ایجاد نظامی سیاسی بر مبنای دین و معارف الهی بوده است. آنچه این مقاله در صدد تبیین آن است، چگونگی کاربرد این فریضه در حوزه اجتماع و جلوگیری از مفاسد کلان سیاسی و اجتماعی و بهره‌برداری از ظرفیت آن برای ایجاد انقلاب و نظام سازی با تأکید بر دو مورد سبک زندگی موسوی و رفتار سیاسی امام خمینی(ره) می باشد.

کلیدواژه‌ها: امر به معروف، نهی از منکر، زمامدار فاسد، نظارت همگانی، اصلاح.

Email: Abbas.Rafiei@yahoo.com

۱- دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، دانشگاه علامه
طباطبائی (نویسنده مسئول)

Email: barzegar@atu.ac.ir

۲- استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۱۵

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر، در قرآن، به‌عنوان فریضه‌ای که راه‌رستگاران (آل‌عمران / ۱ و ۴) از جمله ویژگی‌های انسان‌های صالح (آل‌عمران / ۱۱۴) و از صفات انسان‌های مؤمن (حج/۴۱) و ملاک و معیار برتری جامعه اسلامی به‌شمار می‌آید، که به‌گونه‌ای روشن بر ایمان رجحان داده شده است (آل‌عمران / ۱۱۰). برخی از مفسران علت تقدم آن را ممتاز و متمایز بودن آن نسبت به شرایع سایر امم تلقی می‌کنند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳: ۳۲۶). در معنای روایی نیز، این فریضه جایگاه رفیع و ممتازی دارد. امام باقر(ع) می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر، راه انبیاء و روش صالحان و فریضه‌ای بزرگ است که سایر واجبات به آن قوام می‌یابند، راه‌ها امن می‌شوند، کسب و کارها حلال می‌گردند و حقوق مردم به آنها باز گردانده می‌شود و زمین آباد می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۰۶). امر به معروف و نهی از منکر از وظایف عملی مسلمانان و نشان دادن عکس‌العمل در مقابل ترک وظایف دینی به‌وسیله سایر افراد است، به‌طوری‌که از ترک مجدد آن وظایف جلوگیری شود. از آنجا که این وظیفه به حوزه عمل مکلفان مرتبط است در شمار فروع دین به‌حساب می‌آید (طباطبایی‌فر، ۱۳۹۰: ۸۰). تاریخ نشان می‌دهد، از میان جنبش‌های انقلابی که در بین جوامع صورت گرفته است بخش بزرگی از آنها اختصاص به قیام رهبران الهی داشته که برای اصلاح جامعه خود و با بهره‌گیری از مفهوم امر به معروف و نهی از منکر، حرکت آگاهی بخش خویش را آغاز و صور متعددی از رفتار سیاسی را متجلی کرده‌اند. به‌عنوان نمونه انقلاب اصلاح‌گرایانه موسوی در برخورد با منکر بزرگی مانند فرعون و انقلاب اسلامی در برابر رژیم طاغوتی پهلوی، از آن جمله است.

سؤال این می‌باشد که این اصل در سبک زندگی موسوی چگونه (کدامیک از وجوه سلبی و ایجابی آن) و در چه موقعیت‌هایی توسط حضرت موسی(ع) به‌کار گرفته شد؟ همین‌طور امام خمینی(ره) بر مبنای کدام برداشت از اصل مذکور توانست به بسیج مردم و نخبگان همت گماشته، آنها را در مقابل طاغوت زمان متحد سازد؟ و شاه را به خروج از کشور وادار سازد؟ اینها مطالبی است که مقاله به‌صورت اجمال عهده‌دار پاسخ به آنهاست. ماهیت پژوهش کیفی است و ما ابتدا به روش تفسیری مفهوم و مراتب امر به معروف و نهی از منکر را در منابع اسلامی جستجو و سپس با روش تحلیل محتوا و گردآوری اطلاعات به شیوه مستقیم کتابخانه‌ای سعی شده است این فرضیه بررسی شود که، امر به معروف و نهی از منکر ظرفیت‌ساز است و راهی مطمئن و عملی برای دستیابی به اصلاح اساسی در ساختارهای جامعه است. این فرض در انقلاب موسوی و انقلاب اسلامی توانست با آگاه‌سازی، انسجام بخشی، سازماندهی و مقابله با فساد سیاسی به ساخت قدرت دست‌یافته و نظام مورد نظر خود را ایجاد نماید.

مفهوم شناسی

امر به معروف و نهی از منکر

معنای امر و نهی: در فرهنگ لغات امر دارای دو معنی آمده است.

۱. به معنای «کار» و «چیز» و جمع آن امور می‌باشد و *شاورُهُمْ فِي الْأَمْرِ* (آل عمران / ۱۶۹) - *قُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ* (بقره / ۲۱۰).

۲. به معنی دستور و فرمان، برانگیختن به چیزی. اگر به این معنا باشد، جمع آن اوامر خواهد بود. *قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ* (اعراف / ۲۹) - *أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ* (یوسف / ۴۰).

در بحث امر به معروف معنای دوم مدنظر می‌باشد. معروف: از عرف یعنی شناخته شده، پسندیده، کارهای خوب. منکر: از انکار، ناشناخته، شناخته‌نشده، ناپسند، اموری که از نظر فطرت انسانی غریب و بد و بی‌ریشه جلوه کند.

راغب در این باره می‌نویسد: معروف به عملی گفته می‌شود که، از راه عقل و شرع نیکویی‌اش شناخته شده است و منکر به عملی که از راه عقل و شرع نیکویی‌اش انکار شده است (راغب، ۱۴۰۴: ۳۳۱). با این گستره‌ای که برای امر به معروف و نهی از منکر در نظر گرفته می‌شود، هم شامل احکام خمسه‌ی تکلیفیه می‌باشد و هم به جنبه‌های اخلاقی، فرهنگی و رفتاری قابل تسری است و هم از نظر برخی به سه قسم حقوق‌الله، حقوق مردم و حقوق مشترک بین این دو قابل تقسیم است (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۲۱).

سبک زندگی

در آثار اغلب اندیشمندان تعریف صریح و منسجمی از سبک زندگی به چشم نمی‌خورد. اما با اندکی جستجو و تأمل می‌توان به عبارت‌هایی رسید که در کنار یکدیگر ترسیم‌کننده دیدگاه آن دانشمند خواهد بود. در جمع‌بندی کلی و بر مبنای سخنان نظریه پردازان می‌توان سبک زندگی را این گونه تعریف کرد: طیفی هماهنگ و وحدت یافته از کنش‌های درونی و بیرونی در موقعیت‌های اجتماعی که حاصل باورها، تمایلات و سلیق فرد یا جامعه بوده و در تعامل با شرایط محیطی شکل می‌گیرد. سبک زندگی در اندیشه اسلامی، شامل شئون گوناگون حیات بشر و ساحات وجودی انسان می‌باشد. به عبارت دیگر سبک زندگی کلیه عرصه‌ها و ابعاد حیات آدمی را در بر گرفته است، به گونه‌ای که روابط چهارگانه انسان با خدا، خود، خلق و خلقت را بر مبنای ابعاد سه‌گانه بینش، گرایش و کنش، شامل می‌شود.

موسوی

منسوب به موسی پیامبر(ع). سرگذشت حضرت موسی(ع) بیش از سایر پیامبران در قرآن آمده است در ۳۴ سوره و ۱۳۶ مورد به ماجرای موسی(ع) و فرعون و بنی اسرائیل اشاره شده است (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹، ۲۸۸).

مراتب امر به معروف و نهی از منکر (استراتژی اصلاح)

انقلاب‌ها هدفمند و در عین حال روشمندند. اصولاً اصلاح هدفمند الزاماً روشمند هم هست و فرد مصلح هم باید به هدف اعتقاد داشته باشد و هم به روش دسترسی به اهداف التزام عملی پیدا کند. برداشتی که از اصل امر به معروف در نگاه اسلامی وجود دارد، آن را تا حد یک راهبرد عملیاتی برای آغاز یک قیام

تمام عیار بالا می‌برد و اصولاً برای آن طراحی شده است. توجه به مراتب امر به معروف و نهی از منکر که در کتاب‌های فقهی ثبت و ضبط شده است، این واقعیت را عیان می‌سازد. این مراتب با تقدم و تأخر سیستمی در طول یکدیگر قرار گرفته و رسیدن به نتیجه مشروط به رعایت آن است. این مراحل عبارتند از تنفر قلبی، تذکر زبانی و اقدام عملی، که تمامی منابع فقهی در آن متفق القولند (بنی‌هاشم خمینی، ج ۲، ۱۳۸۶: ۷۵۹ تا ۷۶۱). هر کدام این مراحل ظرفیت معینی از یک اقدام انقلابی را در زمینه‌ای خاص شکوفا می‌سازد و هم در شرایط قبل از پیروزی انقلاب و هم پس از آن کار برد دارد و می‌تواند الهام بخش قیام‌ها و نهضت‌های اسلامی باشد. آگاهی به زمان و مکان شرط لازم برای گزینش مناسب هر مرحله می‌باشد.

البته همه این مراحل با نیت خیر و خوب خواهی و رحمت و عطف همراه است. اصالت با رحمت است و پیامبران مأمور به مدارا و رفق هستند. مدارا تجسم امر به معروف و نهی از منکر و جلوه عملی و اجتماعی رحمت است. خداوند دستور می‌دهد موسی و هارون - علیهما السلام - علی‌رغم ادعای اولوهیت فرعون با رفق و مدارا با او رفتار کنند، می‌فرماید: بروید پیش فرعون، سرکش یاغی و با او با نرمی و رفق سخن بگوئید شاید این سخن نرم او را متذکر خدا کند و از روز جزا بترسد (طه / ۴۳ و ۴۴). این دستور کلی راه فتح قلوب است (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۳۱۶). رفتاری به ظاهر پارادوکسیکال، تنفر همراه با رحمت، توبیخ با چاشنی عطف و حتی جنگ و جهاد و قتال توأم با رافت، هر چند به نظر دشوار می‌آید اما نگاه قرآن و سیره پیامبران الهی این گونه بوده است. این منطق قرآن است که تمامی اعمال و کنش‌ها از انگیزه خیر و آبشخور رحمت منشاء گرفته بر جان انسان‌ها فرود آید و آنها را متأثر سازد.

رویکردهای دو گانه به امر به معروف و نهی از منکر

در رساله‌های عملیه شرایطی را برای وجوب این فریضه ذکر کرده‌اند مانند، علم به معروف و منکر، احتمال تأثیرگذاری، علم به قصد فرد معصیت کار بر تکرار و نداشتن خطر مالی، ناموسی و جانی (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۷۵۶) نحوه عملیاتی ساختن این شرایط، اجرای واجب الهی را با دو عرصه متمایز و کاملاً مجزا روبرو می‌سازد. عرصه تعامل فردی و صنفی (رویکرد حداقلی) و عرصه تعاملات اجتماعی (رویکرد حداکثری)

الف. رویکرد حداقلی: توجه به این شرایط و تقید به آنها این مسئله را صرفاً به مسائل شخصی و فردی تقلیل داده و آثار سیاسی - اجتماعی آن را فرو کاسته است. طبق رویکرد فردگرایانه، هرگاه امر به معروف یا ناهی از منکر احتمال تأثیر ندهد، یا واقعاً نمی‌داند که آیا فرد معصیت کار بر انجام آن گناه اصرار دارد یا خیر و تجسس هم حرام می‌باشد و یا در جایی که خطر جانی و مالی یا آبرویی انسان را تهدید می‌کند، ورود و اقدام به امر به معروف توجیهی ندارد. به این ترتیب این فریضه بزرگ عملاً تعطیل بوده و یا به موارد بسیار جزئی و بینا فردی تقلیل می‌یابد.

ب. رویکرد حداکثری: رویکرد حداقلی به فریضه فوق در گذر زمان حساسیت نسبت به منکرهای اجتماعی و وظیفه بزرگ حفظ و حراست از اوضاع جامعه و عمل به تکلیف جمعی برای اصلاح رویکردها و تغییر ساختارها در جهت شکل‌گیری یک اجتماع دینی و سبک زندگی اسلامی را به فرسایش برده است. در حالی که اصل نظارت همگانی به‌عنوان تکلیفی دینی اجازه‌ی بی‌تفاوتی و گوشه‌نشینی را به کسی نمی‌دهد. هر چه معروف و منکر مهم‌تر باشند حساسیت در مورد آنها در جامعه بیشتر خواهد بود. از این‌رو، گاه ایجاب می‌کند که برای مبارزه با آن منکر بزرگ و استقرار معروفی مانند حکومت دینی سلاح به دست گرفته و به جهاد و دفاع بپردازد. کما اینکه امام خمینی(ره) اعتقاد دارند امر به معروف و نهی از منکر در مسائلی که حیثیت اسلام و مسلمین در گرو آن است با مطلق ضرر نفس و یا جرح، دفع نمی‌شود. بنابراین بذل جان و مال نسبت به بعضی مراتب امر به معروف و نهی از منکر نه تنها جایز بلکه واجب است. از سوی دیگر، از آنجا که وجود حکومت طاغوت در جامعه‌ی اسلامی بزرگترین منکر و همکاری با آن از انکر المنکرات است، لذا اگر سکوت علمای دین موجب تقویت حکومت طاغوت شود چنین سکوتی حرام و اعتراض و اظهار نفرت از ظالم بر آنها واجب است. هر چند که چنین اعتراض و اقدامی در رفع ظلم مؤثر نباشد (اشرفی، ۱۳۹۳: ۱۱۸). اصل مذکور در کنار دو مسئله دیگر یعنی اصل شورا و اصل بیعت در متون اسلامی به‌عنوان پایه‌های سه‌گانه رفتار سیاسی اسلامی و مشارکت سیاسی در اسلام را رقم می‌زنند و از ابعاد مختلف نقش دهنده به رفتار سیاسی مسلمانان است (برزگر، ۱۳۸۷: ۱۸۲).

سبک زندگی موسوی و امر به معروف و نهی از منکر

از میان پیامبران دولت مرد زندگانی حضرت موسی(ع) به لحاظ توأم بودن با حوادث عظیم سیاسی و امنیتی و چالش‌های اقتصادی و فرهنگی دارای خصوصیات ویژه‌ای است، که رویکردهای موسوی با آنها را برجسته می‌سازد. ایشان با طراحی مسیر حرکت بر اساس استراتژی اصلاح کیفیت برخورد خود را گام به گام ارتقاء بخشید. او در این مسیر با گونه‌های متنوعی از منکرهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مواجه بود که شناخت انواع متفاوت آنها گونه‌شناسی رفتار موسوی را به تصویر می‌کشد.

گونه‌شناسی منکرها

تمامی قیام‌های رهایی‌بخش و جنبش‌های اصلاحی در قبال منکر یا منکرهای هم عصر خود شکل گرفته و متناسب با آنها رویکردهای خود را انتخاب و روند تکاملی خود را طی کرده‌اند. شناخت ماهیت و نوع عمل هر منکر ارتباط مستقیم دارد با میزان موفقیت قیام یا حرکت اصلاحی شکل گرفته در برابر آن، هر چند این شناخت واقعی‌تر و مستند به اسناد اولیه و معتبر باشد، حرکت اصلاحی در اتخاذ رویکردها و استخدام ابزارها و ترسیم اهداف موفق‌تر خواهد بود.

الف. فساد سیاسی: گاه منکر سیاسی خود را در چهره قدرت موجود نشان می‌دهد، که به هیچ قاعده یا اصل اخلاقی پای‌بند نبوده و مرز فارغ میان اخلاق و سیاست را گسترده‌تر نموده‌اند. حضرت موسی(ع) با یکی از همین حکومت‌ها مواجه است. او با دو فرعون هم عصر بوده است، رامسس دوم همان فرعون

است که موسی را از آب گرفت و پرورش داد و فرزندش منفتح همان است که با موسی جنگید و در آب غرق شد (منظرالقائم، ۱۳۹۴ : ۹۶). فرعون قدرت بزرگ مصر صاحب کهن‌ترین تاج و تخت، پایدارترین حکومت و ریشه‌دارترین تمدن است. این حکومت اساسی‌ترین پایه و مبنای شوربختی و اوضاع تیره و تار قوم بنی‌اسرائیل بوده است. قرآن در آیات متعدد به طرح سخنان، تحلیل موضع‌گیری‌ها و شناخت رفتار فرعون پرداخته و از ابعاد مختلف آنها را بررسی کرده است. با تأمل و تدبیر در آیات قرآن، فرعون و اطرافیانش نماد تمام عیار شخصیتی منفی و ظلمانی هستند. شخصیتی که گویا تمام بدی‌ها و شرارت‌های عالم در وجودش جمع شده و گویا قرار است پند و عبرتی برای تمام انبیا بشر باشد (قصص/۴۱) (باقری و کاظمی، ۱۳۹۲ : ۱۷۴). رفتارشناسی فرعون در قرآن نشان می‌دهد که او در مواضع گوناگون کنش‌هایی همچون کفر به ربوبیت خداوند (شعرا/۱۶ و ۲۳) انکار الوهیت خداوند بر جهان (قصص/۳۸) انکار قیامت (قصص/۳۹) شرک و بت‌پرستی (اعراف/۱۲۷) تهدید مخالفین الوهیت خود به زندان (شورا/۲۹) و کشتن دسته جمعی آنها (قصص/۴) خوار و خفیف نمودن بنی‌اسرائیل (زخرف/۵۴) را به نمایش گذاشت و در کل مصداق واقعی شجره خبیثه به حساب می‌آید.

ب. فساد اقتصادی: گونه دیگری از منکر که همواره سد راه حرکت‌های اجتماعی بوده و آشکار یا نهان با کارگزاران قدرت هم داستان بوده است، فساد اقتصادی و نخبگان ثروت می‌باشند. اینان گاه به لحاظ ایدئولوژیک با مسیر اصلاح اجتماعی مخالفت می‌ورزند و زمانی به دلیل ترس از دست دادن منافع مادی علم مخالفت بلند می‌کنند. قرآن منشاء فساد اقتصادی در دوران موسی(ع) را قارون می‌داند. قارون به‌عنوان دارنده گنج‌های فراوان و صاحب ثروت‌های کلان، که ابتدا از پیروان موسی(ع) بود. قرآن در این باره می‌گوید: *إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ* (قصص/۷۶) قارون پسرخاله حضرت موسی(ع) بود و از علم و حکمت بهره‌ی وافر داشت به‌طوری‌که جمعیت بنی‌اسرائیل به دو بخش تقسیم می‌شد، موسی عهده‌دار قضاوت در یک بخش بود و قارون دادستان بخش دیگر (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹: ۳۲۲) اما با فرعون هم سر و سری داشت. پس از اینکه آیه زکات بر موسی نازل گردید و پیامبر خدا از قارون طلب زکوت نمود، بر او گران آمد و از پرداخت زکات خودداری کرده و با موسی به مخالفت پرداخت و کم‌کم به مخالفت با شریعت کشید. با این معنا، فساد در مال و نگرش‌های اقتصادی، به تباهی در فکر و عقیده انجامیده، فرد یا گروه را به ستیز با حاکمیت الهی می‌کشاند.

ج. فساد فرهنگی: خط اصیل قیام‌ها همواره از ناحیه برخی گروه‌ها و جریان‌های فکری مورد تهدید قرار گرفته و زمینه رشد لایه‌های نفوذ و انحراف را فراهم آورده است. اینان بر پایه برخی خصلت‌های نفسانی یا تفسیرهای خاص از مبانی حرکت و قیام و قرائت‌های نامانوس از اهداف و روش‌ها در صفوف به هم فشرده انقلابیون جاخوش کرده و منتظر فرصت برای انتشار افکار و ایده‌های خود در میان مردم باقی می‌مانند. این فرصت با غفلت رهبران و نخبگان و یا بی‌توجهی پیروان به هشدارهای مسئولان صورت می‌گیرد، تا با ایجاد انحراف در آرمان‌های ناب حرکت، چه بسا دستاوردهای قیام را مصادره و ضمن هدر

دادن همه زحمت‌ها و تلاش‌ها به استحاله ارزش‌ها بپردازند. استحاله فرهنگی خطر کمین کرده در مسیر جنبش‌های اجتماعی و سیاسی است.

در قیام موسوی فساد فرهنگی در لباس سامری و فتنه‌ای که آفرید ظاهر گشت. سامری از پیروان اولیه موسی و از افراد انقلابی بود اما پس از غلبه بر فرعون و ورود بنی‌اسرائیل به سرزمین مقدس از آیین موسی جدا شد (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹: ۳۲۰). و منتظر فرصت بود تا بتواند از شرایط پیش آمده بیشترین استفاده را ببرد. غیبت چهل روزه موسی این فرصت را فراهم کرد، روانشناسی اجتماعی مردم هم کار او را راحت کرد، وی، با سرهم بندی کردن گوساله طلایی، مردم بنی‌اسرائیل را فریب داد و آنها به روزگار پیشین خود بازگشتند. آنگاه با فراموشی آیین یکتاپرستی و تمام نعمت‌ها و الطافی که خدا به آنها داده و گام به گام آنها را کمک و یاری نموده است، به پرستش گوساله مشغول شدند. سامری مظهر بدعت دینی، فریب و اغفال و فتنه فرهنگی بود (طه/۸۸). او و همفکرانش نهاد کجروی و عامل ضلالت در جامعه دینی هستند (طه/۸۵ و ۸۷ و ۹۵).

رفتارشناسی موسوی (سبک زندگی سیاسی)

موسی(ع) با رویکردهای متفاوتی از فساد و تنوع غامضی از تباهی روبرو بود که جامعه‌ای نابسامان به لحاظ اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و موقعیتی آشفته و بحرانی شکل گرفته، که قرآن با عبارت ظلمات (ابراهیم/۵) و کرب عظیم (صافات/۱۱۵-۱۱۸) از آن یاد می‌کند. عقلانیت دین مدار مبتنی بر مبارزه با فساد در تمام گونه‌های آن و هدایت همگانی ایجاب می‌کند، الگوهای رفتار به گونه‌ای طراحی و عملیاتی گردد که ضمن دفع فساد افشاء زوایا و آثار نکوهیده آن، موجبات آگاهی، آزادی و حاکمیت مردم بر سرنوشت خودشان را فراهم آورد. از این رو موسی(ع)، چگونگی رفتار خود در برابر فرعون را بر اساس آموزه امر به معروف و نهی از منکر محوربندی و اجرا کرده، کیفیت کنش خود را گام به گام مطابق بر خورد فرعون ارتقاء بخشید.

الف. مرحله انزجار نفسانی

موسی(ع) در گام نخست در داخل کاخ که جوانی نارس و سرزنده و تحت سرپرستی فرعون و همسر وی به سر می‌برد، (مرحله تنفر قلبی) ناراضیتی خود را از این شیوه زندگی و افکار و اعتقادات آنها و اداره جامعه نشان می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۳۰). به همین دلیل از کاخ اخراج و از شهر (پایتخت مصر) تبعید می‌گردد. این مرحله با بی‌اعتنایی به آداب و رسوم و بها ندادن به تجملات، امکانات، سبک زندگی کاخ نشینی و ارتباط مخفیانه با بنی‌اسرائیل همراه بوده است. قرآن ماجرا را از اینجا بازگویی می‌کند که، موسی(ع) در هنگامی که اهل شهر در غفلت بودند وارد شهر شد (قصص/۱۸). اما با وقایعی که اتفاق می‌افتد و منجر به قتل یکی از پیروان فرعون می‌شود، ناگزیر به ترک شهر می‌گردد. در این دوره نسبتاً طولانی (که به نظر می‌رسد برای آزمایش، تربیت و تکامل جسمی و روحی موسی لازم و ضروری بوده است) از مصر دور می‌شود. تجربه سرگردانی چند روزه در صحرا را به تن خرید، بر ماندن در متن

اشرافیت جاهلی و تمدن مادی ترجیح می‌دهد. تا نشان دهد که تنفر قلبی خود مقدمه کنش سیاسی است و آن اینکه، انزجار می‌بایست خود را در رفتار آشکار سازد و فرد تا آنجا که می‌تواند از محیط فاسد و فضای آلوده دوری گزیند. اگر نمی‌تواند در روند امور تغییری ایجاد کند، هجرت کرده و پایه‌هایی اطمینان بخش از بازسازی و نوسازی درونی را به‌وجود آورد. در تاریخ ادیان همواره هجرت‌ها نقشی بی‌بدیل و سرنوشت‌ساز در شکل‌گیری نهضت‌ها و بیداری امت‌ها داشته‌اند. هجرت فردی موسی(ع) زمینه و بستر هجرت جمعی و تاریخی او به همراه قوم بنی‌اسرائیل را فراهم نمود (نساء/۹۷).

ب. مرحله نهی زبانی

پس از دریافت حکم رسالت، موسی(ع) مأموریت می‌یابد به سراغ فرعون رفته، پس از دعوت او به پرستش خدای یگانه، آزادی بنی‌اسرائیل را مطرح نماید. دقت در نوع مواجهه و کلمات و استدلال‌ها و ادعاهایی که مطرح می‌شود منطبق گویا و طریقه استفاده موسی(ع) از مراتب امر به معروف و نهی از منکر را مشخص می‌سازد. کنش بیانی موسی(ع) در این مرحله بر مبنای امر به معروف و نهی از منکر موارد زیر را در بر می‌گیرد.

۱. هدف گذاری: اولین مسئله مهم و حیاتی در فرایند برنامه‌ریزی، تعیین هدف یا اهداف است. هدف رکن اصلی برنامه‌ریزی بوده و تمامی برنامه‌ها برای دستیابی به آن طراحی و اجرا می‌شوند و همه کارها و وظایف مدیران - مثل برنامه‌ریزی، سازماندهی، تصمیم‌گیری و کنترل - به منظور دستیابی به آن اهداف است (الوانی، ۱۳۸۸: ۳۷). اگر اهداف حرکت برای اعضای گروه مشخص نباشد، آنها مسیر حرکت را نخواهند شناخت در نتیجه ابهام و سردرگمی افراد را فرا خواهد گرفت. در این صورت ضریب بازدهی کاهش یافته و کارآمدی تضعیف می‌گردد. در همین خصوص سبک زندگی پیامبران الهی به‌ویژه پیامبران دولت مرد قابل توجه می‌باشد و موسی(ع) در نخستین رویارویی با فرعون هدف خود را با صداقت و صراحت تمام بازگو می‌کند. انقلابی مصلح قرآن هیچ تعارفی و کنایه‌ای در اعلام صریح مواضع خود ندارد و بزرگترین معروف را که همان توحید و یکتاپرستی و دعوت به آن است در اولین اعلام رسمی، رسانه‌ای می‌کند. این در شیوه کار تمامی انبیاء الهی نمود عینی دارد. پیامبر اسلام(ص) در همان روزهای اول دعوت در مکه، جمله معروف خود را خطاب به مشرکین مکه فرمودند: قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلِحُوا هَمِينَ جمله کوتاه تمام مسیر را پرتو افشانی کرده، همه بار رسالت را یک جا بیان می‌کند. سپس مأموریت خود را که آزادی قوم خود یعنی بنی‌اسرائیل است را از یوغ بندگی فرعون بازگو کنید و از او بخواهید (شعراء/۱۷).

۲. بررسی توانمندی‌ها و محدودیت‌ها: برای بالابردن ضریب موفقیت در هر کاری لازم است برداشتی مطابق با واقع از نقاط ضعف و قوت خود داشته و با ارزیابی درست فرصت‌ها و چالش‌ها، وارد برنامه‌ریزی برای رسیدن به هدف مورد نظر شد. موسی(ع) که هدفی بزرگ یعنی آزادی بنی‌اسرائیل را در سر می‌پروراند، در مقام برنامه‌ریزی و سازماندهی، نخست فهرستی از تمام مهارت‌های لازم را بر شمرده، سپس تمام مهارت‌های خود را ارزیابی کرد و دریافت که مهارت‌های ارتباطی او به اندازه کافی اثر بخش نخواهد

بود (چابکی، ۱۳۹۴: ۱۷۰). یکی از ابزارها و مهارت‌های حیاتی در اجرای امر به معروف، داشتن دانش و مهارت‌های ارتباطی مناسب و سازنده است. به گونه‌ای که کارویژه‌های مدیریت یعنی سازماندهی، برنامه‌ریزی، هماهنگی و کنترل بدون وجود یک سیستم ارتباطی مؤثر و پویا در سازمان قابل تحقق نمی‌باشد. زیرا ارتباط اجزاء سازمان را متشکل و مأموریت آن را شفاف و اهداف را گویا می‌سازد. از این رو موسی(ع) برای رفع این تنگناها از خداوند طلب کرد: اول اینکه: خدایا سینه‌ام را گشاد کن و کارم را آسان و گره از زبانم باز کن تا سخنم فهمیده شود و بتوانم منظور و هدفم را با وضوح و روشنی بیان کنم. دوم: برادرم هارون را وزیر و پشتیبان و شریک من قرارده تا بتوانم دو چندان شود (طه/ ۲۵ تا ۳۲) خداوند پس از پذیرش این درخواست‌ها و افزایش توان موسی و وعده نصرت و پیروزی، آن دو را روانه کاخ فرعون نموده، می‌فرماید: به سوی فرعون بروید که طغیان کرده اما با او به نرمی سخن بگویید، شاید متذکر شده و از خدا بترسد (طه/ ۴۳ و ۴۴).

۳. سعه صدر: در معنای سعه صدر نوشته‌اند، گسترش روح، گشادگی سینه، بلند نظری، آزاد اندیشی، ظرفیت داشتن روح انسان و فراخ بودن دل برای تحمل ناملازمات، گرفتاری‌ها، سختی‌ها و مخالفت‌ها در راه رسیدن به هدف است (برجی، ۱۳۷۹: ۹۷). یکی از ویژگی‌هایی که رهبران فوق‌العاده به آن نیاز دارند تا با نفوذ در افراد آنها را جذب کنند و اثر بخشی و موفقیت خود را تضمین نمایند، شرح صدر است. این خصلت می‌تواند با فراهم کردن زمینه لازم با ویژگی‌های دیگری مانند نرم‌خویی، مدارا، گذشت و گشاده‌رویی و فروتنی پیوند خورده و تعامل با دیگران را رضایت بخش و سازنده ساخته، به رهبر کمک کند که در دشواری‌ها و چالش‌ها با نشان دادن واکنش منطقی و ارائه راه‌حل‌های مناسب منافع سازمان را ارتقاء دهد. موسی(ع) در رأس نیازها و درخواست‌هایش از خداوند سعه صدر را قرار داد تا هم اهمیت این صفت را بازگو کند و هم سختی‌های راه را آشکار سازد.

۴. ارتباط بیانی تأثیرگذار: اندیشمندان موانع ارتباط را هر نوع عامل یا علتی که در راه ارسال یا درک پیام اختلال ایجاد کند تعریف کرده و آن را به موانع داخلی و خارجی تقسیم کرده‌اند. موانع داخلی عبارتند از عوامل درونی که بر اجزای مختلف فرایند ارتباطی، به‌طور داخلی اثر گذاشته و جریان ارتباط را قطع می‌کند (الوانی، ۱۳۸۸: ۱۹۴). موسی(ع) در ارزیابی توانمندی‌های خود با واقع بینی به این نتیجه رسید که چه بسا طرز بیان و ارتباط کلامی او دچار برخی تنگناها و محدودیت‌ها است که مانع برقراری ارتباطی مفید می‌شود. و این امر هم در برخورد با فرعون و هم بنی‌اسرائیل مشکل‌زا خواهد بود. بنابراین از خداوند درخواست کرد که گره‌های احتمالی را از زبان و کلامش باز و رفع گرداند تا بیان او برای دیگران قابل فهم، مبرهن و آشکار باشد. وحل عقدۀ من لسانی یفقهوا قولی. وجه دیگر این رفع گره‌ها به درخواست همراهی و شراکت هارون در امر رسالت است. از موسی نقل فرمود که گفت: برادرم هارون زبانش از من فصیح‌تر است، او را با من بفرست، تا مرا تصدیق کند (قصص/ ۳۴). داشتن روابط عمومی قوی و کارآمد این توانایی را ایجاد می‌کند که مدیر، اعضاء گروه را در کشاکش سختی‌ها و ذوق و شوق موفقیت‌ها در کنار

یکدیگر نگه داشته، انسجام سازمان را حفظ کند. و آنها را برای ارتقاء اهداف و کاستن از ضریب خطا و اجرای دقیق برنامه‌ها توجیه نماید.

۵. حسن ظن به خدا: مسیر امر به معروف و نهی از منکر مسیری دشوار و آکنده به زخم زبان‌ها، ممانعت‌ها، آسیب‌ها و اذیت‌ها است. آنجا که انسان از لحاظ روحی و روانی در مضیقه قرار گرفته است و توان مقابله با مشکلات را ندارد، توکل بر خداوند، نیرویی به او می‌بخشد که بر تمام مشکلات پیروز می‌شود، یا در جایی که اتخاذ یک تصمیم ممکن است مخاطرات زیادی به دنبال داشته باشد و به اصطلاح، از ریسک بالایی برخوردار است، توکل بر خداوند است که می‌تواند راه را برای یک تصمیم‌گیری معقول و مناسب هموار کند... و خداوند درهای رحمت خود را به روی انسان گشوده و امدادهای غیبی خویش را به مدد او بفرستد (الوانی، ۱۳۸۸: ۷۵). موسی(ع) که بر صعوبت کار، فراوانی مشکلات و مهم بودن مأموریت واقف بود، در همان آغاز راه حمایت و پشتیبانی خداوند را طلب کرده و درخواست می‌کند، و یسر لی امری. موسی چه در زمان تهدیدها و فشارهای فرعونیان (یونس/۸۴) و چه در تصمیم فرعون مبنی بر کشتن تمام پسران و زنده نگه داشتن دختران (اعراف/۱۲۹-۱۲۸) و وقتی دو سپاه موسی و فرعون با یکدیگر روبرو شدند با بیان مؤثر و نافذ در دل بنی‌اسرائیل بذر امید کاشت (شعراء/۶۲ و اعراف/۱۵۶) (رستمی، ۱۳۹۵: ۹۵).

۶. تبدیل تهدید به فرصت: کار گروهی و رهبر جمعی اقتضای این را دارد که با فرصت‌ها و تهدیدهایی در محیط داخل و خارج روبرو شود. وظیفه تصمیم‌سازان شناخت و مطالعه دقیق این فرصت‌ها و تهدیدها و مشخص کردن آنها می‌باشد. و وظیفه مدیران و رهبران استفاده مطلوب و به موقع از فرصت‌ها و مهار و کنترل تهدیدها و در صورت توان تبدیل تهدیدها به فرصت می‌باشد. موسی(ع) برای صورت‌بندی رفتار سیاسی خویش در برابر فرعون، نیاز بالایی به حفظ آرامش و اطمینان برای تمرکز و شناخت تهدید و مدیریت فضا و تبدیل آن به فرصت داشت. مثلاً در جریان ساحران، موسی رفتاری عقلانی را به نمایش گذارد. به این صورت که از شتابزده‌گی دوری کرد و مقهور فضا هم نگردید، بلکه با مدیریت موقعیت و دادن فرصت به ساحران برای انجام عمل خود، اعتماد به نفس خویش را به رخ کشید، و سپس با ورود به صحنه و استفاده از معجزه عصا، موقعیت تهدیدزا را به فرصتی برای تبلیغ دین و ایمان و حقانیت خود ساخت و ساحران را مجذوب قدرت حق و بیزاری از فرعون نمود. به این ترتیب گام بلند دیگری برای مبارزه با منکر بزرگ و آگاه‌سازی جامعه برداشت.

۷. موقعیت‌سنجی: کسی که در مقام رهبر یک حرکت اصلاحی به هدایت و امر و نهی می‌پردازد باید توجه داشته باشد که همه موقعیت‌ها دارای ظرفیت و شرایط یکسان نبوده و از مختصات متفاوتی برخوردارند. بنابراین نمی‌توان از سبک یا اسلوب مشابه برای همه آنها استفاده کرد. انتخاب نوع رفتار به فضای موجود و کیفیت رفتار رقیب بستگی دارد. گاهی تذکر شفاهی و زمانی پیام کتبی اثرگذار است. اما در یک موقعیت هم باید با حالتی از هیجان و با پرخاش و صدای بلند طرف مقابل را متوجه کرد. گاهی لبخند و ملایمت و زمانی تند و حرارت می‌تواند هدف را تأمین کند. موسی(ع) با تسلط بر زمان و مکان

و شناخت دقیق از رقبا در هر موقعیت، رفتار خود را در چارچوب اصول تغییر می‌داد. در برابر فرعون ابتدا با قول لین (طه/۴۴) و ارائه استدلال و براهین (طه/۴۷ تا ۵۵) و سپس با قهر و غرق در آب (طه/۷۷ و ۷۸) با قارون قاطع و سازش‌ناپذیر و اجرای حکم الهی (قصص/۸۱) در برابر ساحران با وقار و آرامش (طه/۶۵ و ۶۶) در مقابله با سامری با تندی و عصبانیت و برخورد خشن (طه/۸۶) همین طور با برادر و جانشین خودش (طه/۹۴) در برابر قوم بنی‌اسرائیل با بیان ارشادی و تذکر و نصیحت و انعطاف‌پذیری. امر به معروف و نهی از منکر در بند روش و سبک خاصی نیست، اما آن روش نباید با اصول مغایرت داشته باشد.

ج. برخورد عملی (انقلاب و دگرگونی اجتماعی)

مسیر پر نشیب و فراز امر و نهی الهی همیشه با انزجار قلبی و روبرگرداندن و بیان ارشادی و تذکر و توبیخ پاسخ نمی‌گیرد. گاهی می‌بایست از این مراحل عبور کرد، و با گذشتن از مال و جان و اعتبار و آبرو، حکم خدا را برای دیگران تبیین کرد. برخورد با کارگزاران سیاسی برای مهار فساد و دست کشیدن از ستم و بی‌عدالتی و تن سپردن به قانون و عدل هیچ‌گاه بدون قدرت ممکن نبوده است. اراده معطوف به برخورد با فساد و ایجاد اصلاح، تولید قدرت می‌کند. زیرا امر و نهی خصیصه قدرت است و کارآمدی با توجه به توانایی امر به معروف و نهی از منکر به‌ویژه در حوزه سیاست و حکومت با آن پیوند می‌خورد و درجاتی از آن جز با حکومت و قدرت قابلیت پیاده کردن ندارد. مصلحان اجتماعی مسلمان به این نقش آموزه‌های دینی و انرژی نهفته در آن توجه داشته و از آن در حرکت خود بهره گرفته‌اند. گفتار امام حسین(ع) در آغاز قیام و هنگام خروج از مکه نشان دهنده چنین وضعی است. موسی(ع) که در برابر فرعون از همه ابزارها و روش‌ها برای مهار و کنترل قدرت جهنمی او استفاده کرده و نتیجه نگرفته و قوم بنی‌اسرائیل همچنان اسیر قدرت او و برده تمایلات و افکار شیطانی او هستند، انسانیت و دین و آیین آنها بازبچه هوس‌های پلید او بوده و جان و مالشان هدر می‌باشد. در چنین حالتی و بسته شدن همه راه‌های مسالمت‌آمیز، تنها راه برای مصلح اجتماعی احساس تکلیف و انجام کنش سیاسی و اقدام انقلابی است، به‌گونه‌ای که همه خطرها را به جان می‌خرد و آماده پرداخت بالاترین هزینه‌ها است. به این ترتیب موسی(ع) به امر خداوند برای هجرت قیام گونه خویش آماده می‌گردد. او مخفیانه به آماده‌سازی و سازماندهی قوم پرداخته و دور از چشم فرعونیان همه سازوکارهای لازم برای حرکت را مهیا می‌سازد. و در لحظه موعود بنی‌اسرائیل را شبانه از مصر خارج می‌کند (طه/۷۷ و ۷۸). تصور برنامه‌ریزی و سازماندهی جمعیتی بالای پانصد هزار نفر و هماهنگ نمودن آنها به همراه امکانات و سازوبرگ کافی و خروج بدون سروصدا از شهر، نشان از بلوغ بالا، دقت و هنر رهبری در استفاده از سازوکارهای مدیریت برای اصلاحی بنیادی دارد.

د. نظام سازی و حفظ نظام (چالش رجعت)

موفقیت قیام‌ها در حرکت اجتماعی خود به سرنگونی ساختار سیاسی موجود و تلاش برای ایجاد حکومتی مطلوب می‌انجامد. اگر در موقعیت قبل از پیروزی انقلاب، فریضه امر به معروف در وجه سلبی خود یعنی

طرد و نفی منکر بزرگ مانند حکومت فاسد کارساز بود در زمانه پس از پیروزی، در وجه ایجابی یعنی نظام سازی گره‌گشایی کرده و منشاء رفتار سیاسی واقع می‌شود. گام‌های اولیه برای دسترسی به اهداف با همین فرود و فراز آغاز می‌گردد و ادامه می‌یابد. آنچه پس از پیروزی و در دوره سازندگی می‌تواند تولید نگرانی کند، احساس پایان قیام و رسیدن به پیروزی می‌باشد. طبیعی است که تصور اتمام کار برای فعالان سیاسی ایجاد شود و خلا آرمان، فعالان سیاسی را از متن به حاشیه بکشاند و به تدریج بهانه‌گیری‌ها و سهم‌طلبی‌ها هم که خصلت انسان‌های حاشیه‌نشین است رشد می‌کند. به این ترتیب در دوران پس از پیروزی و با استمداد از سامانه امر به معروف و نهی از منکر می‌توان مشکل خلاء آرمان را برطرف کرد و حرکت جامعه به سمت اهداف را تأمین نمود. تفاوت این است که در قبل از پیروزی منکر در لباس دشمن و نظام حاکم حرکت آفرین بود اما پس از پیروزی، معروف در افق نظام مطلوب حرکت را ایجاد خواهد کرد. این منکر بارها در قیام موسی(ع) اتفاق افتاد و مردم پس از هر حرکت و به‌دست آوردن پیروزی بنای بهانه‌گیری و سست عهدی نهاده، از انجام مأموریت بعدی، شانه خالی می‌کردند. پس از اندازها و هشدارهای موسی(ع) و برخی از نخبگان از عواقب این رفتار و حتی تهدید و آشکار شدن عذاب الهی، آنها توبه کرده و مأموریت را انجام می‌دادند. اما در گام بعدی مجدداً همان رفتار از ناحیه آنها مشاهده می‌شد. در قضیه سامری، هنگامی که در غیبت چهل روزه موسی(ع) مردم از آیین الهی دست کشیده و گوساله پرست شدند، خدا موسی را آگاه کرد و او به سوی قوم خود بازگشت و با تأسف بسیار و با خشم انقلابی هم با برادرش هارون (که جانشین او بود) و هم با قوم خود برخورد کرد. خشم مقدس موسی(ع) آنچنان زبانه کشید که الواح تورات را بر زمین افکند و پس از سرزنش قوم به سراغ هارون رفته سر و ریش او را گرفته و به سوی خود می‌کشید (اعراف/۱۵) این بحران فرهنگی آن چنان اوضاع جامعه و اعتقادات و ارزش‌های پیروان موسی را به هم ریخته بود که پیامبر خدا تمام دستاوردهای اصلاحی و رنج‌های قیام و مبارزات نفس‌گیر را در معرض تاراج می‌دید. لذا این میزان عصبانیت و چنین عکس‌العمل شدید برای جلوگیری از یک انحراف و بروز فتنه عظیم لازم بود. همیشه با مذاکره و مباحثات و حرف‌های سربسته و نزاکت دیپلماتیک و پیام‌های شیک، نمی‌توان گره‌های کور را باز کرد، گاه واجب است تا مصلح اجتماعی همه ظرفیت درونی و وسیع خود را با تمام ضرباهنگ وجودی خویش منتشر سازد و بر سر یک ملت یا یک دشمن فریاد زند. این بزرگترین نهی از منکر است که جلوی انحراف قومی گرفته شود و آنها متوجه عمق فاجعه و اشتباهی که مرتکب شده‌اند گردند.

رفتار سیاسی امام خمینی(ره) و فریضه امر به معروف

نو بودن انقلاب اسلامی و بی‌سابقه بودن وقوع چنین انقلابی در عصر حاضر و تصور صاحب نظران پدیده انقلاب، مبنی بر اینکه انقلاب‌های جدید، پدیده‌هایی دنیوی هستند و وقوع انقلاب اسلامی در زمانی که اساساً ویژگی انقلاب‌ها، پیروی از مارکسیسم یا ناسیونالیسم چپ، لیبرال یا آمرانه بود، از دلایل مهم و قابل توجه رویکرد نویسندگان به تحلیل و بررسی انقلاب اسلامی ایران است (ملکوتیان، ۱۳۸۷: ۵۴).

مطالعه سیره سیاسی امام خمینی(ره) نشان می‌دهد، ایشان در فصل آغازین ورود به مسائل سیاسی- اجتماعی سبکی مشخص و بدیع، با بنیانی مستحکم و وزین، از شیوه رفتار سیاسی را طراحی و اجرا کرده‌اند، و در طول سال‌ها به اصول این شیوه رفتاری پای‌بند بوده‌اند. یکی از اصول رفتار سیاسی ایشان حرکت بر مبنای فریضه امر به معروف و نهی از منکر است، که در فصول گوناگون بر ثمربخش بودن این نحوه سلوک سیاسی تأکید و برنامه اصلاحی خود را دقیقاً و مرحله به مرحله تا پیروزی و نظام‌سازی و حفظ نظام، مطابق با آن جلو برده‌اند. امام خمینی(ره) در عرصه عمل سیاسی با منکرهای متعدد و گاه متفاوتی روبرو شده و در برخورد با هر کدام صورتی از تکلیف سیاسی را به نمایش گذاشته‌اند.

شناخت انواع منکر

انقلاب اسلامی که متأثر از حرکت امام خمینی(ره) و حمایت و پشتیبانی ملت ایران و با هدف استقرار بزرگترین معروف یعنی حکومت اسلامی شکل گرفت، انعکاس نارضایتی و اعتراض نخبگان و توده‌های محروم از وجود منکرهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جامعه و عقب‌ماندگی‌های تاریخی بود. این انقلاب که نقطه آغاز جنبش‌های اصلاحی معاصر است، انرژی خود را از مبارزه قهرآمیز ملت ایران در طول دو قرن اخیر و رهبری عالمان و مصلحان دینی به‌ویژه روحانیت آگاه و مسئول اخذ کرده و با حرکت توفنده ملت مسلمان و آزاده ایران بساط یکی از وابسته‌ترین حکومت‌های پادشاهی را برهم زد و راهی‌نو پیش پای ملت‌های اسلامی گشود. اگر هندسه انقلاب اسلامی را در سه ضلع ایدئولوژی، مردم و رهبری بدانیم، آنچه رهبری را در مقایسه با دو ضلع دیگر شاخص می‌سازد، قدرت بسیج‌کنندگی و اقناع‌آفرینی حضرت امام خمینی(ره) در مقام یک رهبر تحول‌خواه می‌باشد، که افکار عمومی را متقاعد ساخته و آنها را باخود همراه نموده است. امام خمینی(ره) که تربیت شده دامن پاک روحانیت و به شدت معتقد و دل‌بسته به اسلام و فرهنگ ناب تشیع بود، پیاده‌سازی احکام دین در جامعه و تربیت دینی را تا هنگامی که منکر سیاسی و فرهنگی در جامعه حضوری فعال دارد، اگر نگوئیم غیرممکن، اما دشوار می‌دانست. به همین دلیل سهم عمده‌ای از انرژی خود و جامعه را برای مقابله با انواع منکرها بسیج کرد.

الف. مشکل زمامدار سیاسی

سیره علمی و عملی امام خمینی(ره) در درون سنتی از تفکر شیعه قرار دارد که با هرگونه فساد در میان لایه‌های اجتماعی سرستیز داشته و منشاء آن را فساد سیاسی یا وجود زمامداران فاسد قلمداد می‌کند. و برای مخالفت و برخورد با آن لحظه‌ای درنگ را جایز نمی‌داند. عوامل مشخصه که نشان دهنده شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر ایران عصر پهلوی دوم و فساد رو به تزاید در تمامی ارکان حاکمیت بود عبارتند از: وجود تبعیض، اجحاف و اعمال زور و دیکتاتوری، خفقان شدید سیاسی، وابستگی شدید سیاست‌های دولت به قدرت‌های بیگانه به‌ویژه آمریکا و انگلیس، سلطه و نفوذ مستقیم و غیرمستقیم بیگانگان بر کشور، تحقیر روحیه ملی مردم، بی‌تفاوتی در برابر مشکلات اجتماعی و اقتصادی، سانسور روزنامه‌ها و نشریات، ترویج فساد و فحشا، اصلاحات ارضی، نابودی کشاورزی و توسعه شهرنشینی،

بی‌توجهی به ارزش‌های مسلط مذهبی و بی‌تفاوتی در قبال خواسته‌های رهبران مذهبی، بی‌بندوباری زیاد از حد، عدم مراعات عفت عمومی، تغییر تاریخ اسلامی و بازگشت به ارزش‌ها و سنت‌های قبل از اسلام و ترویج و تبلیغ آنها. از عوامل مهمی بودند که جامعه را برای انقلاب اجتماعی آماده کرده بودند و بر بسیج توده‌ها علیه رژیم حاکم پهلوی تأثیر عمده‌ای داشتند (زیبا کلام، ۱۳۷۵: ۲۵). دوران پهلوی دوم به غیر از سال‌های قبل از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، که نوعی دموکراسی نسبی در ایران اجرا شد و عمدتاً به عدم تسلط شاه جوان بر اوضاع سیاسی - اجتماعی برگشت داشت، در ۲۵ سال دیگر با افزایش روند فرد محوری و فزونی گرفتن سلطه آمریکا عملاً دچار انسداد سیاسی، دوری گزیدن از ساختارهای دموکراتیک، گسترش فساد، به حاشیه راندن نیروهای مستقل و حذف آنها و مبارزه فراگیر با فرهنگ ملی و اسلامی شد. این فرایند واکنش اجتماعی را در پی داشت، که در طی سال‌ها روند تکاملی خود را طی کرد و با ظهور امام خمینی(ره) در عرصه سیاسی و مبارزاتی به اوج خود رسید.

ب. منکر غرب‌گرایی

رویاری غرب با جهان اسلام بر مبنای دو رویکرد مستقیم و غیرمستقیم سامان‌دهی شده است. اولین مواجهه غرب با حمله ناپلئون به مصر و تصرف سرزمینی شکل گرفت. این حضور غرب در میان کشورهای اسلامی مصداق عینی حضور نظامی و سلطه کافران بر دارالاسلام و تأمین منافع نامشروع آنها برای سالیان متمادی تلقی شد. مرحله اول شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی در اعتراض به این حضور خارجیان در کشورهای اسلامی صورت گرفته و عموماً تحت لوای امر به معروف و نهی از منکر و جهاد مقدس بوده است (برزگر، ۱۳۸۷: ۱۷۶). پس از اینکه غرب با رویکرد مقاومت در کشورهای اسلامی روبرو شد که به پیروزی جنبش‌های استقلال طلبانه منجر گردید. سعی کرد حضور خود را از طریق دیگری تداوم بخشد و آن ورود به دوره استعمار نو، ترویج و تحمیل سبک زندگی، ارزش‌ها، فرهنگ و تمدن غربی بوده است. این تجربه با آموزش، تربیت و بکارگیری نیروهای انسانی بومی تقویت شده و به چالش سخت در مسیر ایجاد حرکت و تمدن نوین اسلامی می‌انجامد، زیرا به گفته جوزف نای بخشی از دانشجویان تحصیل کرده در غرب ارتش سری غریبان در کشورهای خود هستند (ملکوئیان، ۱۳۹۳: ۱۴۲). آنها طرز تفکر سیاسی، اقتصاد و فرهنگ غرب و در نتیجه نفوذ غرب را به کشورهای خود می‌برند. تفکرشناسی در این مرحله دارای پیچیدگی‌های ظریف و عمیقی بوده است.

ج. معضل تحجر

تحجر عبارت است از جمود، ایستایی و گریز از هر چیزی که تازه و نو باشد. تحجر اساساً با روحیه تحول طلبی و نوگرایی انسان سازگار نیست. تحجر به معنای ایستایی، تحول‌ناپذیری، جمود و بر نتابیدن فرهنگ و ارزش‌های حق و متعالی است. که هم در ساحت بینش و دانش (تحجر) و هم در حوزه گرایش و رفتار (جمود) بروز و ظهور دارد، عقل و دل و ابزارهای معرفت‌یاب و منابع شناخت را نیز شامل می‌گردد. و این با بررسی واژگانی، در قرآن نیز به‌دست می‌آید. مثلاً وقتی دل و دماغ سنگواره و قلب قسی شده را خدای

سبحان مطرح می‌نماید که: ثم قست قلوبکم من بعد ذلک فهی کالحجاره او اشد قسوه (بقره/۷۴) در حقیقت آدمیانی را منظور می‌کند که تمام وجودشان سخت و سیاه شده و در برابر اندیشه، اشراق، شناخت و شهود نفوذ ناپذیرند، از جرگه اصحاب تفکر و اندیشه و ارباب شهود و ذوق خارج و هدایت ناپذیرند (مطهری، ۱۳۹۴، ج ۹: ۱۱۰). تحجر این است که شما به متون دینی جدای از واقعیت‌های زندگی که دین برای انسان آورده، بخواهیم چنگ بزنیم. لذا اجتهاد مصطلح کافی نیست اجتهاد مطلوب لازم است. یعنی ممکن است یک کسی مجتهد به معنی رایج باشد اما سرش کلاه برود چون در متن زندگی نیست (مهریزی، پرتال امام خمینی(ره): ۹۵/۱/۱۲). در تحجر عقل تعطیل است، انسان متحجر در خود فرو رفته و سرد و ساکت و سنگین است، با حرکت بیگانه و از تحرک و تحول هراس دارد. دل در گذشته و میراث سلف داشته و مخالف پویایی و تغییر در مناسبات زندگی است. این دیدگاه هرگونه برداشت عقلانی را به بهانه مخالفت با سنت بر نمی‌تابد و با ابداع و اختراع و شکوفایی میانه‌ای ندارد. و دین را در عبادات محض خلاصه کرده به ارتباط انسان با خدا تقلیل داده، آن را از متن زندگی به حاشیه می‌راند و هیچ نسبتی بین دین و زندگی برقرار نمی‌کند. سیاست نیز چون به متن زندگی انسان‌ها و ساحت عرفی آن مربوط بوده به اداره زندگی این دنیایی می‌پردازد، میانه‌ای با دین ندارد. اسلام منهای سیاست، اسلام تحجر و تجدد است. تحجر و تجدد اینجا به هم می‌رسند و هر دو دین را به محراب و منبر محدود می‌سازند.

الزامات رفتاری امام خمینی(ره) در برخورد با اضلاع مثلث تباهی

الف. با زمامدار سیاسی

سبک زندگی سیاسی امام خمینی(ره) در دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نشان دهنده آفرینش نوع جدیدی از رفتار سیاسی مبتنی بر احیاء و ترویج ارزش‌ها و اولویت‌های نشأت گرفته از دین مبین اسلام است. ایشان در ادبیات سیاسی خود به کرات از مفاهیم معروف و منکر و لزوم نظارت همگانی و مسئولیت مردمی استفاده کرده و در کنش سیاسی خویش نیز آن را بکار گرفته است. همین طور در جریان مسائل و آسیب‌های درونی و تهدیدهای بیرونی جامعه خود هم بوده است. این شیوه که دقیقاً مبتنی بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد امام را قادر ساخت تا به‌طور همزمان منکرهای سه گانه کارگزار سیاسی، تحجر و غرب‌گرایی را به باد انتقاد گرفته و هدف هر سه را زدن ریشه اسلام ناب و انقلابی بداند. او در مسیر سنگلاخ، دشوار و البته افتخار آمیز مبارزه، در هر مرحله از انقلاب با توجه به جمیع جهات و شرایط موجود راهبردها و روش‌هایی را به کار گرفت که هم در قاب معنایی امر به معروف و نهی از منکر بگنجد و بتواند نگاه تکلیف‌گرایانه امام را به بهترین وجه پوشش دهد و هم اینکه هدف را نیز در دسترس قرار دهد.

۱. آگاه‌سازی و همراه‌یابی: امام در جایگاه متفکری عمل‌گرا و نظریه‌پردازی انقلابی جهت بسیج مردمی و بر پایی انقلاب و جنبش اجتماعی از مسیر بیدارگری افکار عمومی و اقتناع توده‌ها برای همراه نمودن آنها بهره برد. ایشان در خصوص تبلیغات و نقش آن در آگاه‌سازی مردم و عدم استفاده از تجهیزات

نظامی می‌گویند: برای ایجاد جنبش هیچ یک از آنها ضروری نیست، بلکه باید از تبلیغات و بیدارگری مردم به‌عنوان سلاحی کارساز در مقابل دشمن تا بن دندان مسلح بهره گرفت. که با تحقق این امر، چنان نیروی عظیم و زوال‌ناپذیری ایجاد می‌گردد که دشمن را یارای مقابله با آن نیست (برزگر، ۱۳۸۷: ۱۷۹). با آگاه شدن مردم از میزان کارآمدی رژیم پهلوی و باز کردن ابعاد فساد در سال‌های دهه‌های چهل و پنجاه، شاه به‌عنوان منکری تبهکار و مصداق واقعی عمل غیر صالح (هود/۴۶) نشان داده شد، که به تدریج با افشاء وابستگی به بیگانه پایه‌های مشروعیت او سست شد.

۲. نصیحت کردن و تذکر دادن: در مواردی خصوصاً در آغاز نهضت دیده می‌شود که امام شاه را با لقب اعلی حضرت همایونی مخاطب ساخته و نصیحت می‌کند. مواردی از این دست، نشان می‌دهد که از نگاه امام تحول ساختاری و تغییر در رویکردهای حاکمیت اولویت کار ایشان است. از جمله مباحث مهم در جامعه‌شناسی سیاسی امام خمینی(ره) موضوع تحولات اجتماعی و تغییرات انقلابی در ساختارها است. در این رابطه، هدف اصلی و عنصر محوری اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) اندیشه اصلاحی بر مبنای تحولات روان شناختی و جامعه شناختی برای نیل به جامعه توحیدی است. کما اینکه امام در سال‌های اول مبارزات سیاسی خود در پی اصلاح رژیم پادشاهی از طریق نصیحت و پند و اندرز بود (مقیمی، ۱۳۸۸: نسخه اینترنتی نشریه معرفت). امام در توضیح این نحوه نامه به شاه می‌گویند: در مورد آنچه در جواب تلگراف شاه آمد باید توجه کنید که وظیفه دینی ما اقتضاء می‌کند که در قدم اول با زبان ملایم با زبان پند و اندرز با افراد مواجه شویم، خواه شاه باشد خواه شبان. وظیفه علما در قدم اول ارشاد است و در این وظیفه نباید میان انسان‌ها از نظر مقام، موقعیت و منصب فرق بگذارند (پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، Entekhab.ir، ۱۳۹۰/۱۲/۱۸).

۳. توبیخ و تهدید: حضرت امام در ترسیم راهبرد مبارزاتی خویش که با هدف اصلاح اجتماعی باز تعریف شده بود، هنگامی که از نصیحت کردن و پند و اندرز به نتیجه مورد نظر نرسید و بلکه بر عکس، واکنش‌های شاه و مجموعه حاکمیت را روز به روز خشن‌تر می‌یافت (حمله به مدرسه فیضیه) به تدریج از رویکرد مدارا فاصله گرفت و در گام اول با اعلام اینکه تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب، ولو بلغ ما بلغ (امام خمینی(ره)، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۷۸) سکوت حوزه‌های علمیه را در برابر رفتار رژیم به باد انتقاد گرفت و جو سرد و ساکت حاکم بر نهادهای مذهبی را شکست. همین طور در قضیه کاپیتولاسیون با برشمردن تبعات منفی آن برای ملت ایران فریاد زد: آن آقایانی که می‌گویند باید خفه شد، اینجا هم باید خفه شد؟ اینجا هم خفه شویم؟ ما را بفروشد و خفه شویم؟ قرآن ما را بفروشد و خفه بشویم؟ والله گناهکار است کسی که داد نزند، والله مرتکب کبیره است کسی که فریاد نکند (امام خمینی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۱۵ و ۴۲۴). سپس در گام بعدی در مواجهه با رژیم پهلوی با ادبیات تندتر و خشن‌تر به نهی از منکر پرداخت. از جمله در سخنرانی ۱۳ خرداد سال ۴۲ و در ماجرای کاپیتولاسیون، که به زندان رفتن ایشان و قیام پانزده خرداد و نهایتاً به تبعید وی منجر شد.

۴. نظارت همگانی: یکی از رویکردهای کنترلی در میان جامعه اسلامی آموزه مسئولیت همگانی و نظارت‌های مردمی است. امام به‌عنوان راهبر در هر مرحله از انقلاب با توجه به شرایط موجود، راهبردها و تاکتیک‌هایی را برگزید، که هرکدام تأثیری بسزا در پیروزی انقلاب داشت. از جمله برانگیختن روحیه احساس مسئولیت در میان آحاد جامعه با توجه به فریضه امر به معروف و نهی از منکر بود. ایشان با تفسیری که از حدیث کلکم راع ارائه می‌کنند می‌فرمایند: این یک سفارش عمومی است که پیش من اهمیت دارد و باید عرض بکنم به همه، به همه قشرهای ملت باید عرض بکنم. با کمال دقت توجه کنید که یک قدم خلاف اسلام نباشد... همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور. نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی خودت را حفظ کن... توجه داشته باشند که مبدا من یک وقت یک کلمه بر خلاف مقررات اسلام بگویم، اعتراض کنند، بنویسند، بگویند (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۳۳۴). التزام به این حکم دینی به سیستم توانایی می‌دهد تا همواره سطح آگاهی‌های مردم، کارائی و قدرت کنترل آنها را بالا برده و با نظارت بر قدرت، از رخنه فساد جلوگیری کرده و راه نفوذ منحرفان را مسدود نماید.

ب. با منکر غرب‌گرایی

جریان‌های فکری و سیاسی در کشورهای اسلامی در برخورد با تمدن غرب مواضع متفاوتی از خود نشان داده‌اند و از اخذ مطلق یا رد مطلق و یا نگاه‌گزینی و اختیار عناصر مثبت و رد عناصر منفی در نوسان است. و البته این رد و قبول‌ها، همچنان ادامه دارد. حضرت امام از جمله نخبگان دینی و سیاسی می‌باشد که با اتخاذ نگاه‌گزینی رویکردی عقلانی و توأم با احتیاط و وسواس را از خود نشان داد. ایشان همان‌طور که به شدت با خوی استکباری و چپاول‌گری غرب مخالف است، با مرعوب و فریفته شدن در برابر تمدن غرب و پشت پا زدن به فرهنگ و ارزش‌های خودی و به مناقصه گذاشتن استقلال و منافع ملی کشورها نیز مخالف است. سخنرانی تند و ضد آمریکایی ایشان در نفی و رد لایحه کاپیتولاسیون کاملاً گویا است. وی با شناخت دقیق از مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی در غرب، آنها را عامل اصلی انحراف و غفلت انسان غربی و فاصله گرفتن او از دین و اخلاق قلمداد می‌کند. اما در اخذ قسمتی از آموزه‌ها و دستاوردهای علمی و تکنولوژیک غرب که با اخلاق انسانی و الهی زاویه نداشته باشد، مخالفتی نداشته و کسانی را که در مواجهه با تمدن غرب به رویکرد اخذ مطلق می‌اندیشند، نکوهش کرده آنها را عامل عقب‌ماندگی ملت‌های خود و باعث شکل‌گیری سلطه قدرت‌ها می‌داند. دنیا امروز گرفتار جهان‌خواران و غارت‌گرانی است که کشورها را به آتش می‌کشند و غارت می‌کنند و نیز گرفتار وابستگان آنان است که منافع ملت‌ها و کشورهای خود را فدای منافع ابرقدرت‌ها می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۲۷). از جمله مسائلی که به مسلمانان و مستضعفان جهان اجازه هیچ‌گونه فعالیت برای خروج از قید و بند استعمارگران را نمی‌دهد و آنان را به حال رکود و عقب‌افتادگی نگه می‌دارد تبلیغات همه‌جانبه‌ای است که غرب‌زدگان و شرق‌زدگان یا به امر ابرقدرت‌ها یا کوتاه‌نظری خود در سراسر کشورهای

اسلامی و استضعافی به راه انداخته‌اند و می‌اندازند و آن این است که علم و تمدن و پیشرفت به دو جناح امپریالیزم و کمونیسم است و آنان خصوصاً غربی‌ها و اخیراً آمریکائی‌ها نژاد برتر هستند و دیگران نژاد پست و ناقص هستند و ترقی آنان در اثر والانژادی آنان است و عقب‌افتادگی اینان در اثر نقص نژادی است و به تعبیر دیگر آنان انسان‌های تکامل یافته هستند و اینان در حال تکامل، که پس از میلیون‌ها سال به تکامل نسبی می‌رسند (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۷۹). قاعده نفی‌سبیل که از آیه ۱۴۱ سوره نساء گرفته شده (لن يجعل الله للکافرین علی المومنین سییلا. خداوند راهی برای سلطه کفار بر مسلمانان قرار نداده است). یک اصل بنیادی در تنظیم راهبردهای سیاست خارجی دولت اسلامی به حساب می‌آید. که، به‌عنوان سدی محکم در برابر نفوذ و دخالت غرب و غرب‌گرایان، قامت افراشته و از هرگونه رابطه‌ای که خوف تسلط غیرمسلمانان بر مسلمانان برود، جلوگیری کند. امام خمینی(ره) مخالفان این قاعده و غرب‌گرایان را مورد خطاب قرار داده و می‌فرمایند: در همه حال، شعار ما قطع‌ایادی اجانب راست و چپ از کشور است، زیرا رشد و استقلال و آزادی با وجود دخالت اجنبی از هر جنس و ملک و ملیت در هر امری از امور کشور اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی خواب و خیالی بیش نیست. و هر کس طرح‌هایی که لازمه‌اش ادامه تسلط اجنبی یا ایجاد تسلط تازه‌ای باشد، خائن به اسلام و کشور است و احتراز از او لازم است (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۱۱۳ و ۱۱۴).

ج. با معضل تحجر

فلسفه مبارزه امام خمینی(ره) با تحجر و تجدد به‌طور همزمان به آرمان‌گایی آن دو بازگشت دارد. به عبارت دیگر تحجر در عصر جدید با پوشش مدرن باز تولید شده و با همان مرام و ادبیات نو به میدان آمده است. هر دوی اینها در گفتمان سیاسی امام با عبارت اسلام آمریکایی مفهوم‌سازی شده است. مهم‌ترین شاخص اسلام آمریکایی جدا کردن دین از سیاست و مخالفت با هرگونه نگاه انقلابی به مفاهیم دینی و برداشت‌های عقلانی از معارف و حیانی می‌باشد. به عبارت دیگر تعطیل کردن باب عقل در حوزه شناخت و معرفت بشری، یکی به نام اصحاب حدیث و دیگری با تابلو پیروان علم، اما هر دو با پیوند عقل و سیاست و علم با دین، مخالفند. امام خمینی(ره) در پیام تاریخی خودشان به روحانیت، پرده از چهره مقدس نمایان به‌کناری زدند و شمه‌ای از جفای آنها و رویکردهای انحرافی‌شان را نشان دادند. در حوزه‌های علمیه هستند افرادی که علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی فعالیت دارند. امروز عده‌ای باژست تقدس مابی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس‌نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست، طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش خط و خال کوتاهی نکنند. اینها مروج اسلام آمریکایی‌اند و دشمن رسول الله. ... وقتی حربه ارباب و تهدید چندان کارگر نشد، راه‌های نفوذ تقویت گردید. اولین و مهم‌ترین حرکت، القای جدایی دین از سیاست است. که متأسفانه این حربه در حوزه و روحانیت تا اندازه‌ای کارگر شده است. ... در شروع مبارزات اسلامی اگر می‌خواستی بگویی شاه خائن است، بلافاصله جواب می‌شنیدی که شاه شیعه است. عده‌ای

مقدس نمای واپس‌گرا همه چیز را حرام می‌دانستند، هیچ کسی قدرت این را نداشت که در مقابل آنها قدم علم کند. خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است. ... یاد گرفتن زبان خارجی کفر، فلسفه و عرفان گناه و شرک به‌شمار می‌رفت (امام خمینی، ۱۳۷۵، ج ۲۱: ۲۷۷ تا ۲۸۷). در سبک زندگی سیاسی امام خمینی (ره) این سه منکر (زمامداران فاسد، غرب‌گرایی و تحجر) اساس اختلاف، انحراف و انحطاط جوامع اسلامی بوده و اضلاع مثلث فساد را تشکیل می‌دادند. بر همین اساس سمت‌گیری مبارزه و قیام حضرت امام به سوی این هندسه تباهی جهت‌گیری شده و از دهه چهل به‌گونه‌ای تمام عیار با تمامیت آن به نبرد پرداخته و لحظه‌ای از پای ننشستند. تغییری که پس از پیروزی انقلاب در اضلاع این مثلث به وجود آمد و ضلع حکومت استبدادی از بین رفت، اما قدرتی بزرگتر یعنی آمریکا جای آن را گرفت. با پناه دادن آمریکا به شاه و اقدامات سفارت این کشور در حمایت و سازماندهی عناصر معارض و مخالف انقلاب و نظام، سپس تسخیر سفارت آمریکا و تعبیر انقلاب دوم از سوی حضرت امام (ره) و متعاقب آن حمله نظامی آمریکا به طبرستان، ادبیات سیاسی امام به تدریج ضد آمریکایی شد و چالش حفظ و بقای انقلاب و نظام نوپای اسلامی دغدغه اول معمار کبیر انقلاب گردید. در این مرحله نیز، همان تفاسیر انقلابی امام از مفاهیم دینی مردم را برای حراست و پاسداری از نظام در صحنه نگه داشت. امام خمینی (ره) از یک سو با ارائه تفسیر و قرائت جدید از مفاهیم فرهنگ سیاسی شیعه مانند انتظار، شهادت، امر به معروف و نهی از منکر و زدودن زنگار تسلیم و حبس و انزواگری از چهره این مفاهیم، زمینه تفکر و ذهنیت انقلابی را بر پا ساخت و از سوی دیگر به دلیل برخوردار بودن از موقعیت ممتاز مرجعیت دینی و پایگاه مردمی‌اش، موجب مشروعیت یافتن و فراگیر شدن برداشت‌های جدید شدند (هنری لطیف‌پور، ۱۳۷۹: ۱۷۸). در این مسیر تمام تکیه و استناد ایشان بر منطق آموزه‌های دینی و معارف و احکام اسلامی استوار بوده و بر بسندگی آن مهر تایید زده است.

نتیجه‌گیری

مقاله فوق با این باور اساسی شکل گرفته است که فریضه امر به معروف و نهی از منکر ظرفیت و انسجام لازم برای طرح در عرصه اجتماع و بکارگیری آن برای ایجاد حرکت و پوشش اجتماعی، با هدف اصلاح رفتار حکومت‌ها و جلوگیری از مفاسد کلان اجتماعی و سیاسی را دارا می‌باشد. این ظرفیت در سایه برداشت حداقلی و نگاه تقلیل‌گرایانه امکان‌پذیر نیست. اما در دیدگاه حداکثری و طرح آن در حوزه جامعه و ارائه قرائتی تازه از شرایط آن تکلیفی اجتماعی را بر عهده مکلفین قرار می‌دهد، که تا افق شکل‌گیری انقلاب و کسب قدرت، ادامه می‌یابد. این واقعیت در انقلاب موسوی و انقلاب اسلامی ایران جامه عمل پوشید و در هر دو حرکت به سرنگونی ساختار سیاسی و ایجاد حکومتی جدید بر مبنای اصول و ارزش‌های دینی منجر شد. موسی بن عمران (ع) و امام خمینی (ره) به‌عنوان رهبران جوامع دین‌دار، در چارچوب یک وظیفه شرعی و مأموریتی الهی از تمامی ظرفیت نهفته در این فریضه استفاده کردند. این ظرفیت در

دوران پس از پیروزی نیز توان آن را دارد که با فعال کردن حق نظارت همگانی و دعوت به خیر نوید بخش حرکت به سمت چشم‌انداز حکومت مطلوب گردد.

منابع

- قرآن.
- نهج البلاغه.
- اشرفی، اکبر (۱۳۹۳)، «سه ضلع انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال هفتم، شماره ۲۵.
- باقری، مصباح الهدی و کاظمی، محمدرضا (۱۳۹۲)، «تبیین الگوی رهبری قوم بنی اسرائیل به دست حضرت موسی(ع) پژوهشی قرآنی»، اندیشه مدیریت راهبردی، سال هفتم، شماره دوم.
- برجی، یعقوبعلی (۱۳۷۹)، *سیمای کارگزاران*، قم: شهریار.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۷)، «امر به معروف و نهی از منکر به مثابه رفتار سیاسی»، مجموعه مقالات همایش علمی امر به معروف، تهران، دانشگاه مذاهب.
- بنی‌هاشمی خمینی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۶)، *توضیح المسائل مراجع ... سیزده نفر ...*، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، قابل دسترسی در: Entekhab.ir
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، *مفاتیح الحیاه*، قم: اسراء.
- چابکی، ام البنین و دیگران (۱۳۹۴)، «بازشناسی عوامل رهبری حضرت موسی(ع) با تأکید بر سوره طه»، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۳، شماره ۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، مصر: دفتر نشر کتاب.
- رستمی، مصطفی (۱۳۹۵)، «الگوی انقلاب متعالی در آموزه‌های قرآنی»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۸.
- زیبا کلام، صادق (۱۳۷۵)، *مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی*، تهران: روزنه.
- طباطبایی فر، سیدمحسن (۱۳۹۰)، «امر به معروف و نهی از منکر در فقه سیاسی شیعه»، فصلنامه علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره ۵۴.
- فخررازی (۱۴۱۵ ق)، *تفسیرالکبیر*، بیروت: دارالفکر.
- محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۷۹)، *قصه‌های قرآن*، تهران: کتاب یوسف.
- مسعودی، محمداسحاق (۱۳۸۴)، *پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و روایات*، تهران: امیرکبیر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۴)، *مجموعه آثار*، ج ۱۶، ج ۹، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۵)، *عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت امام حسین(ع)*، بی‌جا.

- مقیم، غلامحسین (۱۳۸۸)، «مبادی و مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)»، نشریه علمی- ترویجی معرفت، شماره ۱۳۸، نسخه اینترنتی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، *قصه‌های قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۳)، «انقلاب اسلامی در مسیر تمدن‌سازی نوین»، فصلنامه تخصص علوم انسانی، شماره ۱۱-۱۲.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۷)، *بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه پردازی‌ها*، تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- منتظرالقائم، اصغر (۱۳۹۴)، *نقش پیامبران ابراهیمی در تمدن سازی*، قم: نشر معارف.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۴)، *آئین انقلاب*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۴)، *صحیفه نور*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۲)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، چاپ هفتم، تهران: عروج.
- مهریزی، مهدی (۹۵/۱/۱۲)، امام عقلانیت را وارد حوزه‌های دین شناسی کرد، پرتال امام خمینی.
- الوانی، سید مهدی و دیگران (۱۳۸۸)، *مدیریت در اسلام*، ویراست دوم، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- هنری لطیف‌پور، یدالله (۱۳۷۹)، *فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.